

نگاهی به رمان «زن‌جیره» نوشته آدرین مک‌کینتی

یک شوخی وهم‌آلود

اگه به چیزهایی که می‌گم گوش

ندی، بچه‌ت رو می‌گشتم. اول خون‌بها

رو می‌پردازی و بعد بچه‌یه نفر دیگه رو

می‌دزدی. من خودم مادرم و پسرمن رو

دزدیدن. مطمئن باش برای برگردوندن

پسرمن، حاضرم دخترت رو بکشم. تو اولین نفر این زن‌جیره نیستی

و مسلماً آخرین نفر هم نخواهی بود». / از متنی کتاب.

این تهدید ترسناک همه چیز است که رمان زن‌جیره به شما

اعطا می‌کند. حرف آخر را اول بزنم. اگر ترسو هستی یا ناراحتی

قلبی یا اعصاب دارید، برای خودتان شر درست نکنید و از خیر

خواندن این کتاب بگذرید.

«زن‌جیره» یک شوخی وهم‌آلود با شما و ادبیات است؛ داستانی

که امکان ندارد به سادگی آن را فراموش بکنید. به محض این‌که

کتاب را باز بکنید و سطر اول را بخوانید، شما هم وارد بازی و

یکی از اعضای زن‌جیره شده‌اید. مثل کتاب «جومانجی» (کریس

فن السبورگ) از آن‌رهای نخواهید داشت. آدرین مک‌کینتی

- نویسنده ایرلندی - تمام نبوغ خود را در نویسندگی با خلق

جهان هولناک «زن‌جیره» در قالب ادبیاتی جنایی به نمایش

می‌گذارد. این کتاب با تلفیقی از یک ماجرای حقیقی در دهه ۱۹۷۰

مکزیک و اندکی خرافات ایرلندی و خیال‌پردازی‌های ذهن یک

نابغه خلق شده است. زن‌جیره تمام ایمان خواننده را به هم

می‌ریزد و به طور غریزی و ناخواسته پارانویای خطرناکی را در

روح و روان او می‌گنجاند تا باور بکند هیچ جا امن و هیچ‌کسی

قابل اعتماد نیست. رمان به ماجرای راشل، مادری ره‌اشده و

شکست‌خورده می‌پردازد که از بیماری سرطان رنج می‌برد و با

شیمی درمانی زنده است. در چنین اوضاعی، یک روز عادی وقتی

دختر سیزده‌ساله‌اش کابلی را به ایستگاه اتوبوس مدرسه

می‌رساند، یک باند مافیایی مخوف با عنوان «زن‌جیره» دخترش را

می‌دزدند و در تماسی تلفنی از او می‌خواهند برای آزادی دخترش،

بچه دیگری را بدزدد. راشل ابتدا تلاش می‌کند با پرداخت پول

و انجام هر کاری، کابلی را آزاد بکند اما او نیز همان پاسخی

را می‌شنود که زن‌جیره پیش از این به همه طعمه‌های خود

داده است: «مساله پول نیست راشل. مساله، زن‌جیره است.

زن‌جیره نباید بشکند» و او باید در کمترین زمان ممکن، بهترین

تصمیم‌ها را بگیرد و درست عمل بکند. اشتباه کردن ممنوع،

و گرنه کابلی می‌میرد. نباید به پلیس زنگ بزنند. نباید قهرمان بازی

در بیاورد. فقط باید کارهایی را که از او خواسته‌اند، انجام دهد.

داستان در دو فصل کلی با نام‌های «همه‌ی دخترهای گم‌شده»

و «هیولایی در هزارتو» روایت می‌شود. در فصل نخست از

ابتدا با زمان بندی آغاز هر بخش (مثلاً پنجشنبه ۷:۵۵ صبح)

مخاطب لحظه به لحظه پیش می‌رود و نگران می‌شود که

آیا راشل می‌تواند به تنهایی در این زمان محدود، خواسته

آدم‌ربایان را برآورده کند؟! خیلی بعید به نظر می‌رسد. راشل زنی

باهوش اما احساساتی و مهربان هم است. چگونه باید فرزند

کسی را بدزد و نقش یک آدم‌ربای خبیث را بازی بکند؟ کاری

که تا امروز نکرده؛ پاسخ این پرسش خیلی ساده است: وقتی

مادر باشید، برای نجات فرزندتان دست به هر کاری لازم باشد

می‌زنید. در همین رمان روند تدریجی تبدیل شدن راشل را از

یک مادر پرمهر به هیولایی بدذات و بی‌رحم می‌بینیم. وقتی

او آملیا را که به بادام زمینی آلرژی دارد، می‌دزد و آملیا بر اثر

خوردن یک کلوچه حاوی بادام زمینی به حالت مرگ می‌افتد،

تلاشی برای نجات بچه نمی‌کند و او را به بیمارستان نمی‌رساند،

چون باید بین زنده ماندن او و دخترش یکی را انتخاب بکند و

حسی باورنکردنی درون او موجب می‌شود دومی را انتخاب کند.

نویسنده سلسله حوادث کتاب را کاملاً با دقت و وسواس کنار

هم چیده تا هزرتویی از یک معمای به ظاهر بی‌پاسخ بسازد.

مخاطب داستان هم مدام از سوی آدم‌رباها تهدید می‌شود که

هیچ راهی برای فرار از زن‌جیره ندارید و این سیستم باید تا ابد

به کار خود ادامه بدهد اما چنین پروژه‌ای چگونه کار می‌کند که

تا امروز دوام آورده؟ طراح آن کیست و با چه هدفی راه‌اندازی

شده؟ «مجبور کردن مردم به انجام کارهای وحشتناک برایشان

لذت بخش است؟» (ص ۲۱۶). پاسخ این پرسش در فصل دوم

کتاب و فلاش بکی به اعماق زن‌جیره نهفته است. آنچه خواننده

را در داستان بیش از هر چیز به وحشت می‌اندازد، قدرت نفوذ

و کنترل تکنولوژی‌های امروز بر زندگی بشر است. همه چیز از

طریق گوشی‌های یک بار مصرف، سایت‌ها، کامپیوترها و خرید

بیت‌کوین اداره می‌شود. همه چیز کدگذاری شده و امکان ندارد

کسی بتواند رد آن را بگیرد. هر اقدامی علیه زن‌جیره، منجر به

مرگ فرد خطا کار و

خانواده‌اش می‌شود.

داستان مدام به

شما این حس را القا

می‌کند که همیشه

تحت نظرید؛ به

وسیله گوشی‌های

موبایل، لپ‌تاپ‌ها

و ردیاب‌ها. تمام

حرف‌هایتان شنیده

و حرکت‌هایتان دیده

می‌شود. هیچ‌کدام از

شبکه‌های اجتماعی

امن نیست. حالا

به اهمیت حفاظت

اطلاعات پی می‌برید.

یاد می‌گیرید نباید

همه دقایق،

لحظه‌ها و رویدادهای

زندگی‌تان را در

شبکه‌های اجتماعی منتشر بکنید، ولی کسی نمی‌داند چه کسی یا کسانی زن‌جیره را می‌گردانند. از این منظر، چیدمان ساختمان داستان بسیار درست، دقیق و حساب شده است. خواننده باید مثل راشل به همه شک بکند. درباره این ماجرا با کسی حرف نزنند و فقط داستان را دنبال بکنند. «استفن کینگ»، خالق رمان «درخشش» و از بهترین ترسناک‌نویس‌های دنیا، درباره «زن‌جیره» می‌گوید: «این کابوس به صورت غیرقابل‌وصفی اصیل و درخشنده است. تا مدت‌ها آن را رها نمی‌کنید» و به راستی همین‌طور است.

همچنین با وجودی که محور اصلی کتاب بر مبنای جنایت و خشونت است، در آن آشکال دیگری از تیم داستانی می‌بینید؛ از درام خانوادگی و عشق و معما گرفته تا سیاست و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و فلسفه و موارد دیگر، و همه در جای مناسب خود و کارآمد. نویسنده به شکلی خردمندانه لابه‌لای روایت داستان، گاهی جمله‌های قصاری از اندیشمندان و بزرگان اهل ادب و فرهنگ و هنر در تایید و تکمیل توضیح و توصیف‌های خود آورده که ضمن رساندن منظور او، کارکرد آموزشی برای مخاطب دارند. نگاه کنید به صفحه‌های ۱۱۰ و ۱۲۵ کتاب و نقل قول‌هایی که از «تاکیتوس» و «آلبر کامو» آمده. شخصیت‌پردازی‌های قوی و فضاسازی رمان به گونه‌ای است که دنبال‌کننده داستان، هرچه را می‌خواند، به وضوح در ذهنش می‌بیند. درست مانند یک فیلم جنایی و مهیج، و از آنجا که سینما و ادبیات همیشه رابطه مستقیم و تنگاتنگی داشته‌اند، خبر رسیده فیلمی بر مبنای این اثر در حال تولید است. گرچه نمونه‌های چنین داستانی با همین میزان هیجان پیش‌تر در سینما تولید، اکران و استقبال شده‌اند. از جمله فیلم «ربوده‌شده» (Taken) ساخته پیر مورل که آنجا نیز دختر یک بادیگارد بازنشسته دزدیده می‌شود و پدر باید همه تلاش خود را برای آزادی فرزندش بکند، یا مورد دیگر فیلم اسکاری «اتاق / Room» به کارگردانی لنی آبراهامسون که از قضا بر اساس رمان مهیجی به همین نام - نوشته اِما

دانهیو- ساخته شده است. از طرفی، شیوه عملکرد زن‌جیره، فیلم‌های دلهره‌آوری نظیر «بازی‌های مسخره» (میشاییل هانکه)، «زودیاک»، «هفت» (دیوید فینچر) و «داوطلب مرگ» (دیدیه گروسه) را در ذهن مخاطب اهل سینما تدا می‌کند.

بی‌انصافی است اگر از رمان زن‌جیره بگوییم و اشاره‌ای به ترجمه خوب زهرا چفلکی نکنیم. ترجمه کتاب بسیار روان، خواندنی و بی‌نقص است و مترجم به خوبی توانسته ضمن وفاداری به اصل اثر، ریتم و هیجان موجود در کتاب را حفظ و به خواننده منتقل بکند.

«زن‌جیره» رمان فوق‌العاده‌ای است که تا مدت‌ها به آن فکر می‌کنید و به دیگران نیز پیشنهاد می‌دهید. تا کتاب را نخوانید و با سرنوشت پرمخاطره راشل همراه نشوید، نمی‌دانید از چه دنیایی حرف می‌زنیم؛ دنیایی که پیت- برادرشوهر سابق راشل - درباره آن می‌گوید: «هیچ چیز جدیدی زیر نور این خورشید وجود ندارد. مردم فقط از قبل بدتر می‌شن» و راشل که تا سر حد مرگ از مخمصه‌ای که گرفتارش شده می‌ترسد، اعتراف می‌کند: «تا وقتی بچه‌تان به خطر نیفتاده باشد، ترس واقعی را حس نمی‌کنید. مرگ بدترین اتفاقی نیست که برای مردم می‌افتد. بدترین اتفاق اینست که بلایی سر بچه‌ات بیاید و هنوز نمرده باشی».



<p>برگ سبز و سند کمیته‌ی خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ایران ۷۱-۵۷۹-۱۵ شماره موتور 1877818 و شماره شاسی S1412286048508 متعلق به آقای مهر داد اکبری سرزیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p>	<p>برگ سبز و سند کمیته‌ی خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک: ایران ۶۸-۴۲۸-۳۳ شماره موتور: 16080027737 شماره شاسی: NAAU01FE4DT018119 به نام: شیمیا الیماسی گرامرودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.</p>	<p>سند برگ سبز پراید مدل ۸۸-رنگ نوک‌مدادی، پلاک ۷۱۵ ۲۱۱-ایران ۵۶، شماره موتور 2927061، شماره شاسی S1412288255871 به نام وحید پیش‌یاره مفقود گردید و فاقد اعتبار است.</p>
---	--	--